



نشر بیگل
Bidgol Publishing



عشق و آگوستین قدیس

| هانا آرنٹ | مریم خدادادی |

LOVE AND SAINT AUGUSTINE

| Hannah Arendt | Maryam Khodadadi |

به روایت فیلسوف

- ۳ -

مجموعه
به روایت فیلسوف
زیر نظر مسعود علیا



عشق و آگوستین قدیس

هانا آرنت

ترجمه مریم خدادادی

نسخه پردازی: میترا سلیمانی

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش نصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، ۱۴۰۰، تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۴-۷۰-۰

Bidgol Publishing co. | انتشار بیگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

فهرست

۷	پیشگفتار: کشف دوباره عشق و آگوستین قدیس
۲۹	سپاسگزاری‌ها
۳۳	عشق و آگوستین قدیس
۳۵	مقدمه
	بخش اول
۴۵	عشق به منزله اشتیاق: آینده پیش انداخته
۴۷	۱. ساختار اشتیاق (appetitus)
۶۵	۲. کاریتاس و کوپیدیتاس
۱۰۱	۳. ترتیب عشق
	بخش دوم
۱۱۷	خالق و مخلوق: گذشته به یادآمده
۱۱۹	۱. خاستگاه
۱۷۷	۲. کاریتاس و کوپیدیتاس
۲۰۵	۳. عشق به همسایه
	بخش سوم
۲۱۳	زندگی اجتماعی
۲۴۳	نمایه



پیشگفتار

کشف دوباره عشق و آگوستین قدیس

آماده‌سازی نسخه انگلیسی ویراسته و بازنگری شده ما از عشق و آگوستین قدیس، اثر هانا آرنِت، حاصل کار گروهی بزرگی بوده که یک دهه به طول انجامیده است. هرچند شمار کتاب‌ها، مقالات و همایش‌ها در خصوص آثار آرنِت، به ویژه در علوم سیاسی، سال به سال بیشتر می‌شود، عشق و آگوستین قدیس همچنان متنی کمابیش ناشناخته است - آخرین دست‌نوشته آرنِت در حد و اندازه یک کتاب که به انگلیسی منتشر می‌شود. کار مشترک ما روی این دست‌نوشته در سال ۱۹۸۵ آغاز شد، پس از برخوردی تصادفی در انجمن مطالعات آبی کلیسا، قرون وسطی و رنسانس که در دانشگاه ویلانووا تشکیل شده بود، همان جایی که من، در مقام محقق علوم سیاسی، در حال واکاوی این رساله به منزله حلقه مفقوده میان معرفت‌شناسی «سیاسی» و «اخلاقی» آرنِت بودم و جودیت، در مقام فیلسوف، در حال بررسی اندیشه آگوستین درباره شروارتباط آن با اقتدار سیاسی بود. مسیرهایی که ما به سمت رساله آرنِت پیمودیم به قرار زیر است:

مسیر اسکات به سمت عشق و آگوستین قدیس

در کالج بارنارد و دانشگاه کلمبیا، همان جا که من هم به عنوان دانشجوی کارشناسی و هم به عنوان دانشجوی تحصیلات تکمیلی با بورسیه ریاست جمهوری نظریه سیاسی می خواندم، حضور فیزیکی و فضای فکری هانا آرنست اجتناب ناپذیر بودند. آرنست هم، مثل مارگارت مید^۱، زن صاحب نام دیگری در محوطه دانشگاهی مورنینگ ساید هایتس^۲، در خیابان ۱۱۶ و برادوی یک «حضور» بود. کسانی خبر از رؤیت او می دادند و حکایاتی را درباره او باهم در میان می گذاشتند. جامعه علوم سیاسی در کالج بارنارد و دانشگاه کلمبیا، در پیرودار جنگ سرد، خاستگاه های تمامیت طلبی^۳ و در باب انقلاب^۴ آرنست را به رتبه اثری طراز اول و معیار ارتقا دادند.

نهایتاً به بریتانیا رفتم (۱۹۷۰-۱۹۶۷)، جایی که مدرک دکتری ام را از دانشگاه استرثکلاید^۵ دریافت کردم. اما پیش از آنکه دانشگاه کلمبیا را با مدرک کارشناسی ارشد ترک کنم، به کار روی تاریخ اندیشه سیاسی که در بارنارد آغاز کرده بودم ادامه دادم و این بار با تمرکز بر استفاده تمام عیار از منابع سنتی در دوره قرون وسطی رساله ای را درباره بازسازی آگوستین گرایی به دست مارسیلیوس پادوایی به نگارش درآوردم. استادان من، هربرت دین، جولین فرانکلین، آرتور هایمن، پل اسکار، کریستلر و نورمن گنتر، منابع اندیشه سیاسی غربی را با شور و دقتی شرح می دادند که بی شباهت به شور و دقت آرنست

1. Margaret Mead
2. Morningside Heights
3. *Origins of Totalitarianism*
4. *On Revolution*
5. Strathclyde

نبود. در واقع کریستلر هم شاگردی آرنت در هایدلبرگ بود. در نتیجه، گفتمان سیاسی قرون وسطی هرگز برای من زبانی بیگانه نبوده است، درحالی که غالباً برای آن دسته از محققان علوم سیاسی که در درجه اول با نوشته‌های متفکران مدرن بار آمده‌اند چنین است.

فرایند کشف دوباره آرنت را به واسطه رساله بازنگری شده او در سال ۱۹۸۳ آغاز کردم پس از آنکه علاوه بر پیدا کردن نسخه‌ای از ترجمه انگلیسی آن در کتابخانه کنگره، دست‌نویس او را که مجدداً حروفچینی و حاشیه‌نویسی شده بود به دست آوردم. پیش‌تر نقدی بر سخنرانی‌های گیفورد او را که پس از مرگش منتشر شده بود خوانده بودم و اشاره‌ای کوتاه و وسوسه‌انگیز به وجود نسخه‌ای ترجمه شده از رساله در میان اوراق او در کتابخانه کنگره توجه مرا به خود جلب کرد. با توجه به آنچه به زعم خودم از رویکرد «فقط سیاست» آرنت به جهان عمومی می‌دانستم، این واقعیت انکارناپذیر که سیرفکری او با واکاوی اندیشه آگوستین درباره حیات اجتماعی آغاز شده بود کنج‌کاوی‌ام را برانگیخت. وقتی متن — دسته عظیمی از اوراق دست‌نویس — از کتابخانه کنگره به دستم رسید، موجب شگفتی دوچندان شد. آرنت ترجمه ا. ب. اشتن^۱ را، که ظاهراً در سال ۱۹۶۳ تکمیل شده بود، با درج عبارت‌ها و جملاتی بین خطوط و در حواشی متن، بازنگری و سپس ترجمه را به طور ناقصی از نو حروفچینی کرده بود تا بازنگری‌هایش را در آن بگنجانند و بسط دهد.

در سال ۱۹۸۴ جین ال‌شتین، که در حال هماهنگ کردن میزگردهای نظریه سیاسی برای گردهمایی ملی انجمن علوم سیاسی آمریکا در

واشنگتن بود، از من دعوت کرد ارزیابی ام را از رسالهٔ بازنگری شده ارائه دهم. آرتن یکی از آن چهره‌های علوم سیاسی قرن بیستم است که بیش از همه مورد احترام و درعین حال جنجال‌برانگیزند. اما شگفت آنکه بحث من در اثبات اهمیت این رساله نخستین بررسی مستقیم مواجههٔ آرتن با آگوستین در رشتهٔ دانشگاهی آمریکایی منتخب او بود. همچنین، این نخستین باری بود که رسالهٔ آرتن به خودی خود به مثابهٔ چیزی بیش از یک کار اولیهٔ متعارف دانشگاهی، در علوم سیاسی جدی گرفته می‌شد. رسالهٔ آرتن هرچند بسیار وام‌دار استادانش مارتین هایدگر و کارل یاسپرس است، اعلام محترمانهٔ استقلال خود اوست که به مسیر آثار آشکارا سیاسی آتی او اشاره می‌کند. به این ترتیب کشف دوبارهٔ این رساله از طریق بازنگری‌های دههٔ ۱۹۶۰ آن از همان آغاز جنجال‌برانگیز بوده است و همین‌طور هم خواهد ماند تا وقتی که کل آثار او، در آلمان و آمریکا، ارزیابی و در هیئت ترجمان «رسمی» تفکر سیاسی آرتن یکپارچه شوند.